

جرم انگاری قاچاق اشخاص در پرتو دکترین حقوق بشر بزه دیده مدار و آموزه های فقهیجمال بیگی^۱**چکیده**

معضل قاچاق انسان و نقش باندهای قاچاق سازمان یافته در آن، نشان دهنده ی یکی از دشوارترین مسایل در زمینه ی نقض حقوق بشر است که در حال گسترش روز افزون می باشد. درآمد سالیانه ی جنایات سازمان یافته فراملی دو برابر بودجه ی نظامی کشورهای جهان است و قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان به عنوان زشت ترین چهره ی این جنایات، پس از قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه، سومین تجارت هنگفت و پول ساز جهان دارای رشد بسیار سریعی در بین کشورهای مختلف است. مسایل مرتبط با این جنایت نظیر برده داری، فحشاء، روسپی گری، تورسم جنسی، تبعیض نژادی، مهاجرت غیر قانونی، پول شویی، ایدز، کار اجباری و... قاچاق انسان را به یکی از جدی ترین تهدیدهای حقوق بشری افراد در صحنه های داخلی و بین المللی و هم چنین به چالش اساسی کشورها در تامین امنیت انسانی و تعهدات بنیادی آن ها در قبال نقض حقوق بشر قربانیان این جنایت در قرن حاضر تبدیل کرده است. در این مقاله در صدد بررسی این سوال های مهم هستیم که آیا با بین المللی شدن حقوق کیفری و ملامضمانت اجداراد شدن نقض های شدید حقوق بشر افراد در سیاست جنایی سازمان ملل متحد، جرم انگاری نقض حقوق بشر افراد در فرایند جنایت قاچاق اشخاص هم می تواند مطرح گردد؟ در سیاست جنایی اسلام، برای جرم انگاری قاچاق انسان مبنایی می توان یافت؟ و آیا رویکرد حمایتی اسلام از حقوق بشر قربانیان این جنایت با تلقی جامعه ی جهانی و سازمان ملل از مسئولیت حمایتی همنوایی دارد؟ شورای حقوق بشر در روند جدید خود ضمن تاکید بر مبارزه با برده داری، قاچاق انسان را از مصادیق برده داری نوین شمرده و بر لزوم حمایت همه جانبه ی کشورها از حقوق بزه دیدگان این جنایت اشاره داشته است. پس این مسئولیت باید به طریق اولی توسط جامعه ی بین المللی و در قالب مسئولیت حمایت هم ایفا گردد. بررسی امکان شمول این مسئولیت در موارد نقض حقوق بشر افراد در فرایند قاچاق اشخاص موضوع اصلی این نوشتار است.

واژگان کلیدی: قاچاق اشخاص، حقوق بشر بزه دیده مدار، مسئولیت حمایت، پروتکل پالمو، منشور ملل

متحد و آموزه های فقهی.

^۱ - دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و

تحقیقات تهران

مقدمه

هرچند جلوه های اولیه ی قاچاق انسان ، قبل از تاسیس سازمان ملل متحد، مورد توجه آموزه های دینی و نهاد بین المللی نوپای جامعه ملل قرار گرفته بود. لیکن توجه دقیق تر به مفهوم قاچاق انسان و اتخاذ رویکردی جامع تر به انواع بزه دیدگان این جنایت را می توان پس از تاسیس سازمان ملل متحد و طبیعتاً رویکرد های حقوق بشری این سازمان به ویژه پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۷ دید که با نضج گرفتن مفهومی تحت عنوان «جنایات سازمان یافته فراملی» در سیاست جنایی دو دهه اخیر آن سازمان به منصفه ظهور رسید. بر این پایه، جرم انگاری شکل صنعتی این پدیده با رویکردهای حقوق بشری سازمان ملل متحد که تحت تاثیر پیشرفت های علوم جنایی در چند دهه ی اخیر دچار تحول شده است، پیوندی عمیق دارد. هم چنین مطرح شدن مسئولیت حمایت در قبال نقض های شدید حقوق بشری در فرایند قاچاق اشخاص جهت جلوگیری از چنین نقض هایی به مثابه ضمانت اجرایی در حمایت از بزه دیدگان و تاسیس یک سیاست جنایی بزه دیده مدار سازمان ملل متحد می باشد. سازمان ملل متحد به عنوان سازمان بین المللی مسئول در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی ، امروزه مبارزه با تمامی مظاهر نقض کننده صلح و امنیت بین المللی را وجهه ی همت خود قرار داده است. یکی از بسترهای مستعد برای به خطر انداختن صلح و امنیت در جهان، نقض حقوق بشر افراد از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی و حتی دولت های عضو آن سازمان است. بر همین پایه، سازمان ملل با هرگونه نقض حقوق بشر افراد و استانداردهای تدوین شده از سوی آن سازمان، سرسختانه مبارزه می کند. جرم انگاری نقض این معیارها و نرم های پذیرفته شده در سطح بین المللی و ترغیب و بعضاً الزام کشورهای عضو به جرم انگاری آن ها در حقوق داخلی نیز یکی از مظاهر این مبارزه به حساب می آید. بنابراین تلاش سازمان ملل در پیشگیری از نقض های حقوق بشری و حمایت از

قربانیان این نقض ها پیشینه ای به بلندای منشور بین المللی حقوق بشر و اسناد حقوق بشری دیگر آن سازمان دارد (ذاقلی، رساله دکتری، ۱۳۸۸، ص ۶۰) که به نوعی می توان پیشینه ی این تدابیر پیشگیرانه و حمایتی را تا حدودی در آموزه های دینی ناظر بر جلوه های اولیه ی قاجاق انسان نیز ملاحظه نمود. اما در پرتو مطالعات بزه دیده شناسانه و پیشرفت های جنبش حقوق بشر، یک رهیافت بزه دیده مدار در سطح سیاست جنایی سازمان ملل مطرح و با تصویب پروتکل قاجاق اشخاص عینیت مضاعف یافت. در پرتو این رویکرد، می خواهیم امکان حمایت های این سازمان را از تمامی بزه دیدگان در قبال نقض جنبه های گوناگون حقوق بشر در فرایند قاجاق اشخاص بررسی نماییم .

۱- ماهیت حقوقی قواعد حقوق بشر

«حقوق بشر تجلی بارز کرامت انسان است و تکلیف دولت ها به تضمین رعایت آن ناشی از شناخت همین کرامتی است که قبلا منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را اعلام نموده اند». وانگهی ، چنان چه حقوق بشر واقعا با کرامت) The Resolution..., 1990, P.286 (انسانی پیوند خورده و علقه ای با شناخت این کرامت ایجاد نموده باشد ، به نظر می رسد رعایت این حقوق باید به عنوان التزامی که از یک قاعده آمره حقوق بین المللی ناشی می شود به کلیه ی دولت ها باز گردد. فارغ از وجود هر نوع تعهد قراردادی، محروم ساختن افراد بشر از آزادی و ایراد فشارهای جسمانی و اعمالی از این دست صراحتا مغایر با هدف و منظور منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده و موکول ساختن التزام به چنین اصول و قواعدی را به بده بستان ها و ملاحظات قراردادی، به نوعی نقض غرض در فلسفه ی وجودی سازمان ملل و جامعه ی بین المللی قلمداد می گردد. به همین لحاظ به نظرمی رسد یکی از مهم ترین راه های تضمین هر چه بیشتر قواعد حقوق بشر، گسترش شمول جغرافیایی التزامات آنان باشد.) شالوده ویژه معاهدات حقوق

بشری و پیمانعهات حاوی Reservaions...، 1951، p.23 (مضامین بشرماب، سبب گردیده تا نظامی متفاوت با سایر قواعد و ترتیبات بین المللی، متناسب با ماهیت خاص آن ها در این حوزه لحاظ گردد. برای نمونه در وادی اعمال حق شرط نسبت به این دسته از معاهدات، نظامی جداگانه به دولت ها دیکته شده است. «به طوری که اعمال حق شرط بر معاهدات حقوق بشری گاهی به عنوان عملی مغایر با موضوع وهدف معاهده تلقی شده و حتی برخی صاحب نظران تا آن جا پیش رفته اند که معاهدات حقوق بشری را به واسطه مضمون ویژه شان، تحفظ ناپذیر قلمداد نموده و اساسا چنین اعلامیه ای نسبت به این دسته از معاهدات را فقط بیانیه ای بی اثر تلقی می نمایند که دولت های متعاهد دیگر حتی الزامی به اعتراض بدان نیز ندارند». (موسی زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰)

۲- شمول جغرافیایی تعهدات حقوق بشری

شمول جغرافیایی تعهدات حقوق بشری دولت های متعاهد نسبت به اسناد و معاهدات حقوق بشری، اکنون صرفا به عرصه ی قلمرو تحت حاکمیت آن ها محدود نمی گردد، (ذاکریان، ۱۳۸۳، صص ۲۸-۱۵) بلکه به نظرمی رسد با خروج از آن حیطه، سیر تکامل را می پیماید، به طوری که دولت های متعاهد را در حوزه ی جغرافیایی گسترده تری ملتزم به رعایت حقوق و آزادی های مندرج در این اسناد می کند. به دیگر سخن، با احراز دسته ای از شرایط و متعاقبا از طریق توسعه ی چارچوب گستره ی تحت صلاحیت دولت ها، اقدام هایی که آنان در نقض التزامات قراردادی نشات گرفته از اسناد تعهد آور حقوق بشری در خارج از عرصه قلمرو خود (به طور مستقیم و یا حتی غیرمستقیم) مرتکب می گردند و یا حتی در سرزمینی که نوعا تعهدات قراردادی مزبور، به طور معمول در آن جا قابلیت اجرا ندارد مرتکب می شوند را می توان در حوزه ی مسئولیت بین المللی دولت ها مطرح ساخت. (مدنی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۳) روند بشرگرا شدن حقوق کیفری بین الملل در ابعاد مختلف با شتابی بیش از

پیش در حال تکامل است. از این رو، اکنون شاید بتوان آن را به عنوان چتری برای افراد بشر تلقی نمود تا دولت‌ها. این غایت اساساً در صورتی به طور کامل محقق می‌گردد که به تحدید حاکمیت دولت‌ها به شکل جدی تری نگریسته شود، چه در غیر این صورت، این روند به بیراهه خواهد رفت. از سوی دیگر، تاسیس و توسعه‌ی اختیارات ارکان قضایی و شبه قضایی مأمور رسیدگی به موارد نقض تعهدات حقوق بشری و پیش بینی زمینه‌ها و ضمانت‌های اجرایی تصمیم‌های اتخاذی این ارکان، گام موثر و مثبت دیگری در اعتلای سطح کلی اجرای حقوق بشر بوده و از ترویج بی‌کیفیری ناقضان این حقوق پیشگیری نموده است، ضمن این که امکان احقاق حقوق و تظلم خواهی قربانیان این جرایم را نیز تقویت می‌نماید. یکی از طرقی که مسیر را برای احقاق حق از اقدام‌های تخطی‌جویانه‌ی ارکان و کارگزاران دولتی یا وابسته به دولت فراهم ساخت، ایجاد مراجع صلاحیت‌دار قضایی و شبه قضایی فراملی و منطقه‌ای بود که بدون نیاز به احراز پیش شرطی همچون توسل به حمایت دیپلماتیک دولت متبوع، امکان تظلم خواهی را برای شخص صدمه دیده فراهم می‌نمود. با توجه به نا کارآمدی این سامانه، باید در پی یافتن راهکار دیگری برای نیل به مقصود بود. امروزه دیگر هرگز نمی‌توان چنین ادعا کرد که شمول جغرافیایی تعهدات حقوق بشری دولت‌های متعاقد نسبت به اسناد و معاهدات حقوق بشری صرفاً به عرصه‌ی قلمرو جغرافیایی تحت حاکمیت آن‌ها محدود می‌گردد، بلکه با توجه به رویه‌ی قضایی سال‌های اخیر محاکم قضایی و شبه قضایی در این وادی و تفسیرهای متعاقب به عمل آمده از نص و فحوی این اسناد تعهد آور، دولت‌های عضو متعاقد، اصولاً در هر نقطه‌ای که اقدام به اعمال صلاحیت و کنترل می‌نمایند، به تناسب صلاحیت و کنترل اعمال شده، مسئولیت خواهند داشت و در واقع ارکان دست‌اندرکارو ناظر به حسن اجرای مقررات حقوق بشر در تلاش‌اند تا از طریق توسعه‌ی حیطه‌ی شمول این تعهدات، حمایت بیشتری را از این حقوق به عمل آورده و تک‌تک افراد بشر را در هر نقطه‌ای زیر چتر حفاظتی این حقوق قرار داده

و تا حد امکان، ترتیبات تظلم خواهی و احقاق حق را فراهم سازند، لذا شمول جغرافیایی حقوق بشری دولت‌ها با توجه به روند پیش گفته به طور مستمر در حال تکوین و تحول است. منشور ملل متحد را باید سند اولیه در رابطه با تعیین محدوده ی جغرافیایی التزام بین المللی دولت‌ها در اجرای ترتیبات حقوق بشری دانست. بند ۱۷ از ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد اشاره به «حیطه ی تحت صلاحیت داخلی دولت‌ها» داشته که محدوده ی صلاحیت داخلی دولت‌ها هم بستگی به توسعه ی حقوق بین الملل و روابط بین المللی دارد. از این رو مسائل مربوط به حقوق بین الملل را دیگر نمی توان الزاماً داخل در حیطه ی صلاحیت داخلی دولت‌ها تلقی کرد، چه حقوق بین الملل موجود در معاهدات بین المللی، موضوع خاصی که در این معاهدات تنظیم گردیده را از حیطه ی هر گونه صلاحیت انحصاری خارج می نماید. حتی حقوق بین الملل ایجاد شده به واسطه ی روابط دو جانبه نیز موضوع و هدف خود را از درون چارچوب صلاحیت داخلی خارج ساخته است.

از سوی دیگر، جایگاه حقوق بشر در پیشگاه

(Commentary..., 1995, P.152, Para.36) منشور ملل متحد همواره با رعایت‌هایی شامل «ارتقاء»، «تشویق» و «حفاظت» مشخص گردیده است. «ارتقاء» و «تشویق» به رعایت حقوق بشر از دیدگاه ملل متحد به مثابه اموری ابلاغی بلامنزاعه قلمداد می گردند؛ لذا تمامی اقدامات و ترتیبات مربوط بدان‌ها دیگر ماهیتاً در محیط انحصاری اختیار دولت‌ها مستقر نیستند. اما در مورد «حفاظت»، این صلاحیت به گونه ای متفاوت رقم خورده است و این تفاوت به طور عمده به تعریف این مفهوم بر می گردد. از این جهت باید اقدام‌های مرتبط را به دو دسته ی اقدام‌های مستقیم و غیر مستقیم تقسیم نمود. اقدام‌های مستقیم در حفاظت از حقوق بشر را باید متعلق به صلاحیت داخلی دولت‌ها قلمداد نمود (اقدام‌هایی چون رسیدگی قضایی به

نقض حقوق بشر، انتساب مسئولیت، اتخاذ تصمیم در خصوص میزان ونحوه جبران خسارت، اجرای بین المللی این تصمیم و... از آن جمله اند). حال آن که در وضعیت های مربوط به نقض شدید و منظم حقوق بشر، ژنوسید و اهمال در عدم تبعیض اساسا در صلاحیت ملل متحد قرار می گیرند. به نظر بسیاری از حقوقدانان بین المللی، اولین سند تعهد آور حقوق بشری Ibid, Para.3 اعلامیه ی جهانی حقوق بشر نیست بلکه ماده ی ۳ مکرر چهار کنوانسیون ژنو می باشد. (ر.ک: ممتاز، ۸۴-۱۳۸۳) حقوق مذکور در این ماده، در واقع همان حقوقی هستند که در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ ذکر شده اند و در میان دسته بندی های مرسوم، آشکارا جزء قواعد آمره ی حقوق بین المللی قرار می گیرند. (ممتاز و رنجبران، ۱۳۸۴)

نقطه ی شروع بحث در خصوص تعهدات حقوق بشری، بند ۳ ماده ی ۱ منشور ملل متحد می باشد که بر پایه ی آن ضروری است دولت ها در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب و... با هم همکاری نمایند؛ یا بر اساس ماده ی ۵۵ منشور که در بند پ بیشتر نمود دارد، احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه (بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب) را تشویق نمایند و مطابق ماده ۵۶ منشور ملل متحد، کلیه اعضا متعهد می شوند که برای نیل به اهداف مذکور در ماده ۵۵، در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی را به عمل آورند. طبق این مواد، احترام همگانی (کلیه دولت ها) برای رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی بر همه، ضمانتی است که دولت ها طبق منشور ملل دارند. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: موسی زاده، ۱۳۷۸، صص ۳۳۶-۳۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر با قطعنامه ی غیر الزام آور مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یک چارچوب مفیدی را برای توسعه ی استاندارد های حقوق بشر فردی در سطح جهانی و منطقه ای، ارائه داده است. بعد از شناسایی

حیثیت ذاتی کلیه ی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان انتقال ناپذیر آنان که اساس آزادی ، عدالت و صلح در جهان است، این اعلامیه حق زندگی تمام بشر، آزادی و امنیت شخصی را مورد شناسایی قرار می دهد و از شکنجه یا مجازات یا از رفتاری ظالمانه که بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن است، ممانعت کرده و بر همگان این حق را قایل شده است که شخصیت او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شده و احدی نباید خود سرانه توقیف ، حبس یا تبعید شود .

به عنوان بخشی از لازمه ی حقوق بشر،

(Universal...,1948,Articles 3,5,7&9) دولت ها وظیفه ی احترام و تضمین به هنجارهای حقوق بشر دارند که متضمن تعهداتی مبنی بر اتخاذ اقدامات مناسب برای جلوگیری از خشونت نسبت به حقوق بشر است .

به عبارت دیگر، کشورها وظیفه دارند در داخل قلمرو خود از تمام اشخاص در مقابل خشونت های حقوق بشری محافظت کنند. به علاوه، هر گونه تخطی نسبت به چنین حقوقی می تواند نقطه آغازی بر وظیفه ی دولت ها بر انجام اقدامات لازم جهت جبران خسارت طبق حقوق داخلی و بین الملل باشد.

۳- نقض حقوق قربانیان قاچاق در پرتو حقوق بشر بزه دید مدار

از نظر مقررات بین المللی ،نقض شدید ،گسترده، سازمان یافته و بیش از پیش حقوق بشر سبب خشم و انزجار به حق و وسیع افکار عمومی شده و بسیاری از دولت ها و سازمان های بین المللی را مصمم کرده است که برای تضمین رعایت حقوق بشر به تدابیر مختلفی متوسل شوند .(سان حوزه جیل ، ۱۳۷۹، ص ۲۵۷) بنابراین حقوق بشر، یکی از ارزش هایی است که نقض آن مخالف با قواعد آمره ی بین المللی بوده و در تمامی

نظام های حقوقی منع شده است. به همین جهت می توان آن را عاملی قوی برای همگرایی جامعه ی جهانی و مبنایی مشترک برای جرم انگاری بسیاری از اعمال دانست که قاچاق اشخاص یکی از این اعمال تلقی می شود. بدین سان نقض حقوق بشر در فرآیند قاچاق اشخاص به معنای نادیده گرفتن حقوق بنیادین بشر افراد قاچاق شده و رفتار کالا گونه با آن ها به نحوی که کرامت ذاتی آنها نقض شده و مورد انواع بی حرمتی ها قرار می گیرند و در واقع می توان گفت که حقوق اولیه ی این اشخاص از جمله حق آزادی و امنیت، حق آزادی از شکنجه، حق آموزش و اشتغال، حق بهداشت و هر چیز دیگر که لزوم یک زندگی با کرامت است، سلب می گردد. سازمان های جنایتکارانه ی فراملی با تهدید و کشتن روزنامه نگارها و اهل مطبوعات و قاچاق غیر قانونی اشخاص و سوء استفاده از آن ها و حتی با نفوذ به درون سندیکاها و اتحادیه های کارگری، ضمن قربانی گرفتن از افراد جامعه، آزادی بیان و حقوق بشرو حقوق شهروندی کارگران را نقض می نمایند. (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷)

در گزارش دبیر کل به کمیسیون حقوق بشر با عنوان «ادغام حقوق بشر زنان و چشم انداز جنسیتی: قاچاق زنان و کودکان» آمده است: «معضل قاچاق و نقض حقوق بشر از جمله عوامل پیچیده و خطرناکی است که برنامه ها و موضوعات حقوق بشر بین الملل را تحت الشعاع خود قرار داده است». (عظیمی، ص ۹) کما این که برخی گزارش ها که از سوی ارگان های سازمان ملل یا دیگر ارگان های بین المللی منتشر می شود، نشان می دهد که حتی حقوق اولیه ی انسانی قربانیان قاچاق به نحو وسیعی از طریق تجاوز، فحشا و غیره نقض می شود و این نقض روند رو به رشدی دارد. در این گزارش ها سخن از نوعی بردگی و خرید و فروش انسان به میان می آید. در گزارش ۱۹۹۳ سازمان ملل متحد آمده است که بهره برداری جنسی از کودکان، یک صنعت رو به رشد جهانی است که زندگی میلیون ها دختر و پسر در کشورهای فقیر و غنی را به خطر می اندازد و در عین حال در سطح ملی و بین المللی، برای بررسی و کنترل این امر چندان توجهی نمی شود. اهمیت این موضوع تا جایی است که آقای بوش

(رئیس جمهور وقت آمریکا) در سخنرانی سالانه ی سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ ، مساله ی قاچاق انسان را مطرح واز آن تحت عنوان «جنایت خاص»

یاد می کند و در آن نطق عزم راسخ خود را برای مبارزه با این پدیده اعلام و Special Evil (برنامه هایش را در این رابطه بیان می نماید .) هم چنان که ذکر شد ، حقوق بشر که از دو سده ی پیش به Swati Deo, 2009 ,P.35

نظام های موضوعه راه یافته و به دلایل سیاسی در قالب مفاهیمی انتزاعی بیان شده، در حال حاضر دچار تحولی عظیم گردیده است. به طوری که مسائل حقوق بشر ورعایت حقوق مردم محدود به مرز کشورها نبوده و دیگر وضعیت به این شکل نیست که هر دولتی بتواند هر گونه که بخواهد با اتباع خود برخورد کند و بدین ترتیب در سال های اخیر، شاهد روند جهانی شدن حقوق بشر در دنیا هستیم. امروزه ، غالباً به مجموعه ی حقوقی که بر اساس نظریه ی حقوق طبیعی به موجب قانون طبیعی یا توافقات اجتماعی، یکسان به افراد بشر داده شده است و جزء ذاتی وجدایی ناپذیر موجودیت انسانی آنان به شمار می آید و نهاد های حقوقی و قضایی داخلی و بین المللی می باید از آن دفاع کنند، «حقوق بشر» گفته می شود. (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱) بر این مبنا، هر چند از حقوق بشر Human Rights (تعاریف مختلفی ارائه شده^۱ ، لیکن عنصر مشترک همه آن ها ، اصول سازنده ی حقوق بشر یعنی همگانی بودن، فطری و غیر اکتسابی بودن و تجزیه ناپذیر بودن است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک):

در این جا تقسیم بندی حقوق بشر به فوری و تدریجی قابل توجه Pearson 2000,P.3 می باشد. چرا که حقوق بشر فوری به حقوق بشری گفته می شود که بعد از تصویب یک پیمان توسط دولت ، افراد آن حقوق بشری را که در پیمان گنجانده شده از دولت حاصل کرده و از آن استفاده می کنند . حال آن که در حقوق بشر تدریجی ، وظیفه دولت ها تنها اقدام به اجازه دادن اجرای نهایی:

۱- حقوق بشر که در عربی «حقوق الانسان» نامیده می شود، طبق نظریه ی مکاتب آزادی خواه عبارت است از حقوقی که لازمه ی طبیعت انسان است. حقوق اولیه و بنیادی که قبل از پیدایش دولت وجود داشته و مافوق آن است و بدین جهت دولت ها باید آن را محترم بشمارند. بنگرید به: (صفایی، ۱۳۷۰، ص ۱) و برای مطالعه بیشتر ر.ک: (جروم، ۱۳۸۱، صص ۱۹۷-۱۳۱)

حقوق بشر می باشد. به عنوان مثال، حقوق پیش بینی شده در میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از نوع حقوق بشر فوری می باشند (ملک زاد و فرید، ۱۳۸۷). ذیل اصطلاحات «حقوق بشر فوری در مقابل حقوق بشر تدریجی» هدف حقوق بشر و جوهره آن نیز ارتقاء حمایت از کرامت انسانی بوده که به کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی^۱ تقسیم بندی می شود. منظور از کرامت ذاتی همان حیثیت طبیعی است که همه ی انسان ها مادامی که با اختیار خود و با ارتکاب اعمال ناشایست موجب زوال این صفت نشده اند از این صفت برخوردارند. کرامت اکتسابی نیز از به کارانداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی پدید می آید. (همان، ص ۷۴) اگر هر یک از حقوق ناشی از کرامت انسانی نقض شوند، دارنده ی آن حق، «بزه دیده» خوانده می شود. از همین رو، امروزه بزه دیده شناسی و حقوق بشر به یکدیگر پیوند خورده و هم دیگر را در حوزه ی عدالت جنایی تکمیل می کنند که نتیجه ی این تعامل جبران خسارت ناشی از بزه دیدگی در اثر نقض حقوق بشر است. دستاورد این تعامل، تولد دکترین «حقوق بشر بزه دیده مدار» و به تعبیر دیگر «حقوق بشر کرامت مدار» است که می توان از آن به عنوان مبنا و خاستگاه جرم انگاری قاچاق اشخاص در سیاست جنایی سازمان ملل و متأثر از آن در حقوق کیفری داخلی کشورها من جمله ایران یاد نمود. بر این اساس، رویکرد حقوق بشری حاکم بر سیاست جنایی سازمان ملل را که در پرتو نظم نوین جهانی ناظر بر کنترل شدید تردد اشخاص در سرحدات مرزهای بین المللی، ساختاری نوین برای

حفظ نظم و امنیت بین المللی ایجاد کرده است ، در تعامل با آموزه های جدید بزه دیده شناسی حمایتی می توان به عنوان یکی از مبانی مهم جرم انگاری قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان معرفی نمود .

۴- نقض حقوق قربانیان قاچاق در پرتو آموزه های فقهی

بررسی تاریخی،جامعه شناختی و دینی نشان می دهد که اعتقاد به وجود پاره ای حقوق فطری و ضروری برای بشر از دیر باز وجود داشته و در ادیان آسمانی نیز به مصادیق این حقوق اشاره شده است.درآموزه های اسلامی ،مهم ترین دلیل جرم انگاری قاچاق اشخاص به ویژه قاچاق جنسی، مбайنت آن با شئونات

۱- به نظر برخی،کرامت اکتسابی حتی از کرامت ذاتی هم بالاتر بوده و به همین خاطر به نظام حقوقی جامعه ی بین المللی که بدون توجه به کرامت اکتسابی،صرفا از کرامت ذاتی صحبت نموده اند ، معترض شده اند.(جعفری، ۱۳۷۰،ص ۷۹)

اسلامی و کرامت ذاتی افراد قاچاق شده ذکر شده است .آیات و روایات زیادی من جمله آیه ی ۷۰ سوره ی اسراء و آیه ی ۱۳ سوره ی حجرات ، در سیاست جنایی اسلام مبین کرامت ذاتی انسان ها هستند که منشا این کرامت همان طوری که آیه ی شریفه ی «و نفخت فیه من روحی»هم به آن اشاره نموده ، رابطه ی خداوند متعال با انسان است .به همین جهت اشخاص باید این کرامت رابه عنوان یک حق محترم شمرده و خود را در برابر آن مکلف ببینند ، چرا که در صورت نقض آن قابل مواخذه خواهند بود . این در حالی است که در فرایند قاچاق اشخاص،دیدگاه کالا انگاری به افراد مورد قاچاق، شئونات انسانی و کرامت ذاتی آن ها را شدیداً نقض می نماید .بر همین مبنا ، فقهای اسلامی متقدم با تحریر «کتاب آزادی بردگان» در رساله های فقهی خویش ، مخالفت خود را با برده داری آن زمان به دلیل مبتنی بودن بر همین ایده ی کالا انگاری ابراز داشته اند .روایت های متعددی هم بر نفی خرید و فروش

انسان دلالت دارند. به عنوان مثال، امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل فرموده که فروختن انسان آزاد، از جمله معدود گناهایی است که خداوند متعال در روز قیامت آن را نمی بخشد (الحرالعالمی، ۱۳۷۶، ص ۲۲) و یا راویان اهل سنت از پیامبر (ص) نقل نموده اند که پیامبر (ص) با کسی که انسان آزادی را بفروشد و پول حاصل از آن را مصرف کند، در روز قیامت مخاصمه خواهد نمود. (ابن ماجه، ۱۹۹۹م، ص ۳۵۰) از این رو فقهای شیعی و سنی اتفاق نظر دارند که خرید و فروش انسان آزاد حرام و باطل می باشد. در این زمینه برخی از فقهای معاصر هم، تجارت انسان و به تعبیری برده داری نوین را از نظر شرع مقدس اسلام ممنوع اعلام و آن را زشت و حرام و حتی مشتمل بر محرّمات کثیره ای دانسته اند. (به نقل از گزارش سازمان دفاع از قربانیان خشونت، صص ۱۷۵-۱۷۴) علیرغم این که در آموزه های اسلامی، روابط جنسی خارج از علقه ی زوجیت و پدیده هایی چون فحشاء و روسپی گری شدیداً نفی گردیده و برای مرتکبان آن ها کیفر های نسبتاً شدیدی هم تعیین گردیده است، با این وجود با تکیه بر برخی احکام و قواعد اسلامی نظیر لزوم ستر گناه، عدم تحقیق و تفحص در اعمال منافی عفت و ساقط شدن کیفرهای حدی مقرر برای این جرایم با احتمال حدوث شبهه و اثبات توبه و ندامت گناهکار، می توان با بزه دیدگان قاچاق انسان برخوردی منعطف، رحمت آمیز و حمایت گرانه داشت تا بتوانند فارغ از دغدغه های تحمل کیفر و طرد شدن، بر بازگشت مجدد به جامعه ی اسلامی فکر نمایند.

علی ای حال از منظر آموزه های اسلامی، با ملاحظه ی مجموع ادله ای که بر نکوهش فساد و فحشاء، حرمت قوادی، حرمت تعاون بر اثم، حرمت نقض اصل کرامت انسانی و به طور کلی ادله ای که بر منع خرید و فروش انسان آزاد و در واقع بر منع کالا انگاری انسان دلالت می کنند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نو بهار، ۱۳۸۵، صص ۲۲۰ - ۱۸۷) می توان معتقد شد که نقض حقوق انسانی، اخلاقی و اعتقادی قربانیان قاچاق در

فرایند این جنایت فرامرزی، با روح و مفاد اعلامیه ی حقوق بشر اسلامی (قاهره) تصویری در کنفرانس کشورهای مسلمان هم مباینت دارد.

۵- گونه شناسی نقض حقوق بشر قربانیان قاچاق اشخاص

مطالعه ی مراحل ارتکاب قاچاق اشخاص در کشور های درگیر، یعنی مرحله ی استخدام و به کارگیری اشخاص در کشور های مبدأ، مرحله ی نقل و انتقال و جا به جایی در کشور های ترانزیت و نهایتاً بهره کشی از قربانیان این جنایت در کشور های مقصد، همگی مبین نقض گونه های مختلف حقوق بشر افراد قاچاق شده است که در اسناد متعدد حقوق بشری، برای بزه دیدگان مقرر گردیده است.

قاچاق اشخاص در بردارنده ی به کار گیری، نقل و انتقال، پناه دادن، تحویل و دریافت اشخاص از طریق اجبار، تهدید، فریب یا تقلب به قصد قرار دادن اشخاص در وضعیت بردگی یا شبه بردگی از جمله فحشای اجباری، خدمت خانگی و بندگی قرض است. قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، شکلی از بردگی نوین است که جوهره آن تجارت بین المللی اشخاص، آدم ربایی، فریب، خشونت و بهره کشی به بدترین شکل های آن است و در واقع می توان گفت که چشم انداز حقوق بشروجنسیت یکی از عناصر بنیادین در مبارزه علیه قاچاق زنان و دختران می باشد. به عبارت بهتر، این جنایت یک سیکل فاسدی است که در آن قربانیان یا اغوا می شوند یا مجبور می شوند که کشور خود را به قصد کشور دیگری ترک کنند و حتی بعضی از این قربانیان همانند کالا به وسیله والدین شان فروخته می شوند. در خیلی از موارد که قاچاقچیان، قربانیان را از کشور خود به کشور دیگری ترانزیت می نمایند به آن ها القاء می نمایند که راهی جز تن دادن به فحشا، بیگاری یا اشکال دیگر بندگی ندارند. در این موارد، قاچاقچیان با تمسک به تمهیداتی نظیر استفاده از مواد

مخدر، انواع خشونت^۱، از جمله تعرض جنسی، تهدیدبستگان، اخذ اسناد و اوراق هویت و توقیف این اسناد، آنان را مجبور به همکاری می نمایند. مرتکبان این جنایت،

۱- اظهارات یکی از قربانیان پرونده ی موسوم به «قربانیان خاموش» که خلاصه ای از آن در دادنامه شماره ۴۱/۲۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۶ صادره از شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور مندرج در پرونده کلاسه ۶۱۸۷/۸۱ شعبه ۶۴ دادگاه عمومی مشهد، منعکس است، نمونه ای عینی از این واقعیت است.

قربانیان را عمدتاً با چشم بسته و یا به نحوی که متوجه نشوند که کجا هستند و به کجا برده می شوند، جا به جا نموده و به محض این که به کشور مقصد می رسند در شرایط کاملاً غیر بهداشتی و بازداشت گونه نگهداری می کنند. تا جایی که از منظر قربانیان قاچاق انسان، خشونت، بی حرمتی، مواد مخدر و ترس از مقام های رسمی به عنوان بخشی از بی رحمی روزانه، تعبیر و تفسیر می گردد. از نظر حقوق کاری، آن چه تحت عنوان دستمزد به آن ها داده می شود، درصد ناچیزی از درآمد واقعی قاچاقچیان از بهره کشی آنان است که پس از کسر هزینه ی مسکن، غذا، پوشاک و بازپرداخت اصل قروض، به آن ها پرداخت می شود. در روابط جنسی با زنان و دختران قربانی نیز، صرف نظر از این که فحشای اجباری موجب اضمحلال کرامت و شخصیت آن ها می شود، قربانیان مجبور می شوند که روزانه با تعداد زیادی این رابطه را برقرار نمایند^۱. پیامد های منفی این موضوع به قدری زیانبار است که یکی از خطر های جدی تهدید کننده ی تمامیت جسمانی قربانیان در چرخه ی قاچاق، ابتلاء به بیماری های مسری و غیر مسری از جمله ایدز و بیماری های مقاربتی دیگر به خاطر تجاوزهای مکرر یا سوء استفاده های مختلف فیزیکی قید شده است. در کنار این جرایم ارتكابی، مواردی از به قتل رسیدن قربانیان توسط عوامل قاچاق نیز به عنوان اخطار به سایر افراد قاچاق شده گزارش شده است.

برپایه ی آموزه های نوین حقوق بشر بزه دیده مدار، مصادیق حقوق انسانی Kilercioglu, p.20 در گونه های مختلف کاری، تحصیلی، بهداشتی، پزشکی، اخلاقی، ایدئولوژیکی و... که در فرآیند قاچاق اشخاص نقض می شود، بسیار گسترده است. زیرا فردی که در کنترل قاچاقچیان قرار می گیرد، اداره ی زندگی خود را از دست داده و در معرض انواع بهره برداری های سوء قرار می گیرد. (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵) از این رو، به حق می توانیم قاچاق اشخاص به ویژه زنان و دختران را به عنوان یکی از بدترین اشکال نقض حقوق بشر مطرح نماییم. زیرا در نتیجه ی این جنایت، شخصیت و هویت شخصی زن و نیز حق حیات او به عنوان بشری آزاد در جامعه ای متمدن به تدریج از بین رفته و نابود می شود. زنان قربانی این جنایت مورد خشونت و تحقیر قرار گرفته و شخصیت آن ها لگدمال می شود به طوری که آن هادر زندگی دچار مشکلات روحی، روانی و حتی فیزیکی شده و ممکن است در معرض خطرهای ایدز و اعتیاد قرار گیرند که بعضا منجر به مرگ آن ها هم می شود. کما این که قاچاق کودکان، ناقض ۱ - اظهارات بسیاری از قربانیان قاچاق دختران ایرانی به پاکستان موید این واقعیت است که مشروح آن در سند قبلی منعکس است.

حقوق آن ها نظیر حق با خانواده بودن، رفتن به مدرسه و فرصت بازی می باشد که در تمامی اسناد بین المللی حقوق بشری برای همه کودکان پیش بینی شده اند. قاچاق کودکان نه تنها حق مسلم کودکان را در زمینه بالندگی و رشد و تحصیل می گیرد، بلکه بر اساس اعلام صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف)، حتی آن ها را با غذا، دارو و سایر مایحتاج روزانه هم مبادله می نمایند و لذا در فرآیند قاچاق؛ کودکی، سلامت، خلاقیت و شادابی کودکان به شدت نقض می شود. (قاسمیان، سایت انگلیسی یونیسف) به طور خلاصه می توان گفت که این جنایت مغایر با حق آزادی و امنیت افراد، حق آزادی از شکنجه، حق آموزش و اشتغال، حق بهداشت و هر چیز

دیگری است که لازمه ی یک زندگی با کرامت به شمار می رود ولذا در فرایند طولانی قاچاق انسان، حقوق بشر در تمام حوزه های عمومی و خصوصی نقض می شود. (عظیمی، پیشین، صص ۳۹۸) افزون بر این، در برخی موارد خود دولت ها نیز به نوعی مبادرت به نقض حقوق بشر این اشخاص می نمایند. بدین معنی که افراد قاچاق شده پس از رهایی از چرخه ی قاچاق و تحمل انواع تجاوزات و سایر بهره کشی های جنسی، جسمی و کاری قاچاقچیان، به جای شمول چتر حمایتی، از سوی دولت هایی که با آن ها به عنوان یک بزهکار (و نه یک بزه دیده) رفتار می نمایند، مورد تجاوز مجدد قرار می گیرند. چراکه، در وضعیت مجرم انگارانه، قربانیان قاچاق از تمامی حقوق مندرج در اسناد بین المللی و حقوق داخلی برای حمایت از بزه دیدگان محروم می شوند.^۱ ضمن این که مجبور به تحمل مجازات این جنایت و سایر جرایم مرتبط با قاچاق و احتمالاً اخراج از کشور مقصد نیز خواهند شد. بر این اساس، اسناد بین المللی، وظایف متعددی را برای دولت ها در زمینه حفظ و حمایت از حقوق بزه دیدگان قاچاق مقرر کرده اند. مذاقه و تامل در مفاد ماده ی ۱۵ کنوانسیون پالرمو نشان می دهد که اصل صلاحیت جهانی، در کنار اصول صلاحیت سرزمینی و شخصی (به عنوان اصول صلاحیتی کلاسیک و متعارف در حقوق کیفری بین المللی) می تواند مبنای رسیدگی دولت ها در رسیدگی به جنایت قاچاق انسان باشد و حتی می توان فرض کرد که یک قربانی قاچاق اشخاص، در درون یکی از دولت های متعهد پروتکل پالرمو می تواند با استناد به ماده ۶ پروتکل، خواهان اجرای حقوق بشری خویش در خصوص رفتار آن دولت با خودش گردد. حق آزادی، رهایی از شکنجه، دادرسی منصفانه و بسیاری از حقوق دیگر می تواند جزء مطالبات آن قربانی قاچاق ۱- امروزه اسناد بین المللی، متضمن حقوقی برای حمایت از بزه دیدگان هستند که از آن تحت عنوان «حقوق بشر بزه دیدگان» یاد کردیم که البته لازمه ی بر خورداری افراد از این حقوق و امتیازها، شناسایی آن ها به عنوان بزه دیده در فرایند رسیدگی های قضایی است.

باشد. چرا که، قاچاق انسان یک موضوع عینی دارد که خود بزه دیده است و یک موضوع معنوی که همان کرامت انسانی است. لذا قاچاق اشخاص رفتاری بر ضد حقوق بشر و شرایط برابر تمام انسان هاتلقى می شود (عالی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۵) و بر این اساس است که صندوق سازمان ملل متحد برای زنان (یونینم)، در جنوب آسیا با پلیس و سازمان های غیر دولتی برای تامین حقوق بشر و رهایی زنان و دختران از فاحشه خانه ها همکاری می کند. (عظیمی، پیشین، ص ۳۱)

۶- مسئولیت حمایت

امروزه نظام بین المللی حقوق بشر، سیاست جنایی کشورها را در تمام ابعاد ماهوی و شکلی، حقوقی و قضایی، اداری و نیز رعایت حقوق جامعه در مقابل جنایات سازمان یافته تحت تاثیر قرار داده (پیکا، ۱۳۷۶، ص ۳۱) و لذا در حال حاضر، پرداختن به حقوق بشر و پایمال شدن آن از سوی دولت ها رنگ بین المللی یافته و دولت ها به سختی می توانند با استناد به داخلی بودن این مسائل، از رسیدگی دیگر کشورها و نهادهای بین المللی به آن ها جلو گیری نمایند. هر چند پیاده کردن نیرو در قلمرو یک کشور، مداخله به شمار آمده که بر پایه ی منشور ملل متحد آشکارا منع گردیده است، لیکن حقوق بین الملل نوین، مداخله ی بشردوستانه

را مجاز می داند. مداخله ی بشردوستانه، مداخله ای است (Humanitarian Intervention) که با هدف پاسداری از حقوق اساسی انسان صورت می گیرد و هرگونه نقض عمده، گسترده یا مداوم حقوق اولیه بشر یا حقوقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد مربوط به حقوق بشر آمده است؛ از مصادیق بارز پایمال شدن حقوق اساسی بشر به شمار می رود و لذا حقوق بین الملل دیگر نمی پذیرد که دولت ها با تکیه بر «اصل عدم مداخله» دست به هرکار مجرمانه ای در قلمرو حاکمیتی خود بزنند. از دید ما، اصل عدم

مداخله در امور داخلی دولت ها نمی تواند توجیه کننده ی رفتار ناپسند برخی دولت ها در نقض حقوق بشر قربانیان قاچاق انسان به گونه ی گسترده در قلمروشان باشد. یکی از شرایط مداخله ی بشر دوستانه بر پایه نظریه ی اوپنهایم آن است که «دولتی با رفتار بی رحمانه با شهروندان یا پیگرد آنان، حقوق بنیادی آنان را به گونه ای زیر پا بگذارد که مایه ی جریحه دار شدن وجدان بشری شود». (به نقل از: بالازاده، ص ۶۹)

بر اساس مفهوم مسئولیت بر حمایت، بین تمامی کشورها مسئولیت Oppenheim, 1955 مشترکی برای امنیت جهانی وجود دارد؛ امنیتی که می تواند به واسطه ی جنایات جنگی، نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به خطر بیفتد. لذا گروه عالی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص تهدیدات، چالش ها و تغییرات در سال ۲۰۰۴ گزارشی منتشر نمود که در آن گزارش، موضوع «مسئولیت بر (http://www.UN.Org/Secure World) حمایت» مطرح گردید. براساس نظر این گروه عالی رتبه، در این بحث مسئولیت حمایت، سه موضوع ذیل بایستی مطرح و مورد سوال واقع شود: موضوع اول: حمایت چه گونه می تواند امنیت را گسترش دهد؟ موضوع دوم: به هنگام ناکار آمدی یا ناکامی حمایت، چه نیرویی، توانایی افزایش امنیت را دارد؟ و موضوع سوم: سازمان ملل خود چه گونه می تواند به یک بازیگر موثر در وضع مقررات مربوط به امنیت دسته جمعی تبدیل گردد؟ بر این اساس، مسئولیت حمایت هم شامل سه نوع مسئولیت؛ یعنی مسئولیت پیشگیری، (Ibid) مسئولیت بر واکنش و مسئولیت بر باز سازی و توسعه می شود. (آذری آفاجری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷) لذا در پرتو دکتترین مسئولیت حمایت، نقض های فاحش حقوق بشری در فرآیند قاچاق اشخاص، نظر ها را نه به مصونیت دولت های حاکم، بلکه مسئولیت آن ها نسبت به اشخاص قاچاق شده و جامعه ی بین المللی جلب کرده است. امروزه، در هر کشوری که نه تنها در قبال نقض حقوق بشر افراد قاچاق

شده در قالب انواع بهره کشی های جنسی، جسمی و اقتصادی، از آن ها حمایت ننموده، بلکه به دلیل ارتکاب این جنایت و سایر جرایم مرتبط با قاچاق نظیر ورود و اقامت غیر قانونی، فحشا و جرایم جنسی دیگر، حقوق بشر قربانیان این جنایت را در فرایند رسیدگی با مجازات نمودن آن ها نادیده می گیرد، مساله ی عدم مداخله با مسئولیت حمایت به نوعی تعدیل می گردد. با این توجیه که وقتی دولت های حاکم، مسئولیت اولیه در حمایت از شهروندان خود را بر عهده دارند، پس به طریق اولی این مسئولیت توسط جامعه ی بین المللی هم به ویژه در جایی که دولت ها توانایی انجام این حمایت را نداشته و یا تمایلی به انجام آن نداشته باشند، باید ایفا گردد. علاوه بر آن، گستره ای از یک سری فعالیت های پیشگیرانه از جمله واکنش در برابر قاچاق جنسی به عنوان بارز ترین مصداق خشونت علیه زنان، در صورت لزوم مطرح می گردد. البته لازم به یاد آوری است که در جهت توقف قاچاق جنسی و سایر اشکال آن بایستی از طریق میانجی گری و یا روش های دیگر و حفاظت از قربانیان از طریق اقدام هایی چون اعزام هیات های بشر دوستانه، حقوق بشری و پلیس صورت پذیرد و نیروی تهدید در صورت ضرورت باید به عنوان آخرین حربه استفاده شود (وکیل و عسکری، ۱۳۸۴، صص ۴۸-۴۷) با وجود این که، قاچاق اشخاص علاوه بر نقض حقوق بشر قربانیان، تهدیدی نسبت به کشور ها و جوامع بوده که امنیت انسانی و تعهدات بنیادی کشورها را در استقرار قانون و نظم عمومی مخدوش می نماید، شورای امنیت تا به حال نه تنها به صورت مستمر و موثر در پرداختن به مسئولیت حمایت عمل نکرده، بلکه خیلی از اوقات، دیر هنگام و با تعلل عمل کرده یا اصلا کاری انجام نداده است. شاید تنها موردی که در عمل، شورای امنیت یکی از این جرایم فراملی یعنی قاچاق مواد مخدر را به تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی ارتباط داده است، در مورد افغانستان و گروه طالبان باشد. شورای امنیت در قطعنامه ۱۲۱۴ مصوب هشتم دسامبر ۱۹۹۸ بدون استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد، با ابراز نگرانی از افزایش کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان، از طالبان و دیگران می

خواهد که به کشت و قاچاق مواد مخدر ممنوعه پایان دهند. این نگرانی در قطعنامه ۱۲۶۷ مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ نیز تکرار شده است. (به نقل از: حبیبی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹) ولی قدم به قدم، شورای امنیت و جامعه ی بین المللی بایستی کنار بیایند که طبق فصل هفتم منشور و در راستای ظهور هنجار مسئولیت بین المللی جمعی در حمایت، همواره اقدام نظامی برای جبران اشتباه های داخلی فاجعه آمیز نظیر قاچاق اشخاص در صورتی که آمادگی اعلام وضعیت «به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی» را داشته، قابل تجویز است، خصوصاً هنگامی که نقض حقوق بین الملل صورت گرفته باشد، این امر دشوار نیست. به عبارت دیگر، بر اساس مسئولیت جمعی بین المللی در حمایت، شورای امنیت می تواند مداخله ی نظامی را به عنوان آخرین حربه در وقایع مربوط به قاچاق اشخاص سیستماتیک و گسترده و نقض جدی حقوق بشر دوستانه ی قربانیان این جنایت که دولت های متبوع بزه دیدگان، نمی توانند یا قادر نیستند از وقوع آن پیشگیری نمایند، به کار گیرد، اما کمک در جهت توقف چنین نقض های فاحش حقوق بشری می بایستی عمدتاً از طریق میانجی گری و اعزام هیات های بشر دوستانه و حقوق بشری صورت پذیرند تا به اصل عدم مداخله در حاکمیت داخلی کشورها هم خدشه ی آن چنانی وارد نشود. (وکیل و عسکری، پیشین، ص ۴۸) از طرف دیگر، از ماده ی ۵ طرح کمیسیون حقوق بین الملل در باره مسئولیت دولت ها و سیاق کلی طرح استنباط می گردد که اگر یکی از قواعد عام بین المللی ناظر بر حمایت از حقوق بشر (به عنوان مثال، نقض حقوق بشر بزه دیدگان قاچاق انسان) نقض گردد، هر یک از دولت های جهان، صرف نظر از ماهیت قراردادی، عرفی یا امری آن قاعده، متضرر قلمداد شده و برای دفاع از منافع جمع حق دارند دولت خاطی را تعقیب نموده و حتی حق توسل به اقدام های قهری را خواهند داشت. بدیهی است که تصریح کمیسیون حقوق بین الملل به وجود این حق در حقوق بین الملل، حکایت از آن دارد که بر اثر تحولاتی که در جامعه ی بین المللی به وجود آمده، حقوق مسئولیت به وجود آمده است. (فلسفی، ۱۳۷۵، صص ۲۴۱-۲۴۰) یکی از

ماموریت های مرکزی سازمان ملل متحد، حمایت از حقوق بشر است، ماموریتی که توسط اعلامیه هزاره مجددا تاکید شده و سران کشورها و دولت ها به موجب بند ۹ آن تصمیم گرفته اند که تلاش های خود را برای مبارزه با جنایات فراملیتی در همه ی ابعاد، از جمله قاچاق انسان ها افزایش دهند. کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۴۶، به عنوان یکی از ارکان قدیمی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به موجب اختیارات آن نهاد طبق ماده ی ۶۸ منشور ملل متحد، مسئول ترویج و ارتقای احترام جهانی به حقوق بشر، ترویج همکاری های بین المللی برای حقوق بشر، اعمال واکنش به نقض حقوق بشر در برخی کشورها و یاری رساندن به کشورها برای ظرفیت سازی حقوق بشر تاسیس شده، (وکیل و عسکری، پیشین، ص ۶۲) و ممنوعیت قاچاق اشخاص به ویژه زنان به حدی دارای اهمیت حقوق بشری است که در این مورد گزارشگر ویژه ای از طرف این کمیسیون منصوب می گردد. علی ای حال، سازمان ملل متحد باید همکاری فنی میان کشورها و نهاد های اجرایی حقوق بین الملل را به منظور تامین حمایت از حقوق بشر قربانیان قاچاق در کشور های مبدا، ترانزیت و مقصد بیشتر ارتقادهد. به ویژه، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل و سازمان بین المللی کار باید به صورت جسورانه ای حقوق بشر زنان و کودکان را ارتقادهد و راهبردهای مشخصی را در یاری آن ها جهت انجام برنامه های خود گنجانده و آن ها را در برابر قربانی قاچاق انسان شدن، مورد حمایت قرار دهند. (همان، ص ۴۳)

نتیجه گیری و پیشنهاد ها

ارتکاب قاچاق اشخاص در سطح بین المللی، افزون بر این که آثار مخرب بر بافت های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی جوامع مختلف داشته و نظم عمومی حاکم بر جامعه ی بین المللی را بر هم می زند، امروزه به عنوان یک جنایت سازمان یافته ی فراملی، به کانون مهم نقض حقوق بشر اشخاص به ویژه زنان و کودکان قاچاق شده تبدیل شده است. (ذاقلی، بررسی ظرفیت دیوان کیفری بین المللی برای رسیدگی به بزه قاچاق انسان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸) نارسایی سیستم کیفری اکثر کشورها در زمینه ی عدم حمایت از حقوق بزه دیدگان قاچاق انسان از یک سو و تعقیب و مجازات قربانیان به دلیل شراکت در قاچاق و ارتکاب جرایم مرتبط با آن من جمله مهاجرت غیر قانونی، فحشاء و سایر جرایم جنسی از سوی دیگر مشهود است. در این جا لازم است به این نکته هم اشاره نماییم که کشورهای جهان با توجه به میزان تلاش شان برای کنترل قاچاق انسان، مبارزه و محکومیت دست اندرکاران و حمایت و کمکی که به قربانیان این جنایت ارائه می کنند به چهار گروه تقسیم شده اند. بر اساس ارزیابی اداره ی مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، (UNODC) ایران به همراه ۱۱ کشور دیگر، جزء گروه سوم قرار گرفته است. (عصار و بیابانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸) به همین دلیل، با ملاحظه ی پیشینه ی آموزه های اسلامی در این زمینه و با بهره گیری از ظرفیت های موجود در پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان و منشور سازمان ملل متحد، می توان مسئولیت حمایتی را به عنوان راه حلی مناسب در جهت توقف قاچاق جنسی و سایر اشکال آن از طریق میانجی گری و یا روش های دیگر و حفاظت از قربانیان از طریق اقدام هایی چون اعزام هیات های بشر دوستانه و حتی مداخله ی نظامی به عنوان آخرین حربه در وقایع مربوط به قاچاق اشخاص سیستماتیک و گسترده و نقض جدی حقوق بشر دوستانه ی قربانیان این جنایت که دولت های متبوع بزه دیدگان، نمی توانند یا قادر نیستند از وقوع آن پیشگیری نمایند، مطرح نمود. چرا که، برپایه ی آموزه های نوین حقوق بشر بزه دیده مدار، مصادیق حقوق انسانی در گونه های مختلف کاری،

تحصیلی، بهداشتی، پزشکی، اخلاقی، ایدئولوژیکی و... که در فرآیند قاچاق اشخاص نقض می شود، بسیار گسترده است. از این رو، با تمسک به دکترین مسئولیت حمایت، می توان نظر ها را در خصوص نقض های فاحش حقوق بشری افراد در فرآیند جنایت قاچاق انسان، نه به مصونیت دولت های حاکم، بلکه مسئولیت آن ها نسبت به اشخاص قاچاق شده و جامعه ی بین المللی جلب نمود. وانگهی، بر پایه ی آموزه های دینی ناظر بر پیشگیری و سیاست حمایت گرانه از قربانیان قاچاق، امیدوار بود که من بعد به قربانیان این جنایت، به چشم یک بزه دیده ی واقعی نگاه شود. در چنین صورتی این ایده را می توان مطرح نمود که آموزه های اسلامی در خصوص نقض حقوق بشر بزه دیدگان قاچاق اشخاص با دکترین حقوق بشر بزه دیده مدار همسو و سازگار می باشد و حتی می توان تئوری مسئولیت حمایت مبتنی بر رویکرد حقوق بشر بزه دیده مدار را از آن جهت که مبتنی بر تقدیس و تعالی قربانیان قاچاق بوده است، اندیشه ای ضرورتاً دینی دانست.

- ۱- آذری آقاجری ، بهزاد : مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال اعمال خشونت آمیز اشخاص خصوصی علیه دولت های خارجی ، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه ، ۱۳۸۸ .
- ۲- آشوری، داریوش: دانشنامه سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۹.
- ۳- ابن ماجه، محمد بن یزید : سنن ابن ماجه ، ریاض ، دارالسلام ، طبع اول ، ۱۹۹۹ م.
- ۴- الحرالعالمی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعه ، ج ۱۸ و ۱۶-۱۵ ، تهران ، اسلامیه ، ۱۳۷۶.
- ۵ - بالا زاده ، زهره : ریشه ها و پیامد های نقض حقوق انسانی در دارفور، مجله سیاسی واقتصادی، ش ۲۴۰-۲۳۹ .
- ۶- پیکا ، ژرژ : جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- ۷- جروم، جی شستاک: نظریه حقوق بشر، ترجمه جواد کارگزاری، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۰، س ۱۳۸۱ .
- ۸- جعفری ، محمد تقی : حق کرامت انسانی ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۷، س ۱۳۷۰.
- ۹- حبیبی ، همایون: کنوانسیون سازمان ملل علیه جنایتکاری فراملی سازمان یافته، فصل نامه سیاست خارجی، ش ۱، س ۱۳۸۱.
- ۱۰- دادنامه شماره ۴۱/۲۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۶ صادره از شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور مندرج در پرونده کلاسه ۶۱۸۷/۸۱ شعبه ۶۴ دادگاه عمومی مشهد (پرونده موسوم به قربانیان خاموش) .
- ۱۱- ذاقلی ، عباس: سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق انسان در پرتو اسناد بین المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی ، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۸ .
- ۱۲- ذاقلی ، عباس: بررسی ظرفیت دیوان کیفری بین المللی برای رسیدگی به بزه قاچاق انسان، مجله پژوهش حقوق و سیاست ، ش ۲۶، س ۱۳۸۸.

- ۱۳- ذاکریان، مهدی: مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، چاپ اول، مهدی ذاکریان، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳
- ۱۴- سان حوزه جیل، آمپارو: مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال نقض حقوق بشر، ترجمه ابراهیم بیک زاده، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۰-۲۹، س ۱۳۷۹.
- ۱۵- سلیمی، صادق: جنایت سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن، مجله حقوقی، ش ۲۹، س ۱۳۸۲.
- ۱۶- صفایی، حسین: حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۷، س ۱۳۷۰.
- ۱۷- عالی پور، حسن: قاچاق زنان بزهی بر ضد کرامت زنان، فصل نامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۵، س ۱۳۸۸.
- ۱۸- عصار، محمد تقی و بیابانی، غلامحسین: قاچاق انسان، چاپ اول، تهران، نشر کارگاه، ۱۳۸۶.
- ۱۹- عظیمی، حمید(مترجم): گزارش اجلاس چهل و هفتم کمیسیون مقام زن، گروه مطالعات زنان؛ دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۲۰- فلسفی، هدایت الله: جایگاه بشر در حقوق بین الملل معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، س ۱۳۷۵.
- ۲۱- قاسمیان، پروانه (مترجم): قاچاق کودکان چیست؟ مندرج در سایت انگلیسی یونیسف.
- ۲۲- کولایی، الهه: عوامل و انگیزه های قاچاق انسان؛ با تاکید بر آسیای مرکزی، فصل نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴، س ۱۳۸۶.
- ۲۳- گزارش سازمان دفاع از قربانیان خشونت: نگاهی به پدیده قاچاق انسان و زنان (۲).
- ۲۴- مدنی، سید ضیاءالدین: التزام بین المللی دولت به رعایت حقوق بشر، مجله حقوقی، ش ۳۸، س ۱۳۸۷.
- ۲۵- ملک زاد، بنفشه و فرید، محمد حسین: فرهنگ اصطلاحات حقوق

بشر و حقوق بین المللی، ترجمه محمد شریف پسندی، چاپ دوم، کابل، سازمان بین المللی انکشاف حقوق، ۱۳۸۷.

۲۶- ممتاز، جمشید: جزوه درسی سمینار حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳.

۲۷- ممتاز، جمشید و رنجبران، امیر حسین: حقوق بین الملل بشر دوستانه مخصصات مسلحانه داخلی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

۲۸- موسی زاده، رضا: سازمان های بین المللی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.

۲۹- موسی زاده، رضا: حقوق معاهدات بین المللی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.

۳۰- منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵.

۳۱- نو بهار، رحیم: قاچاق زنان برای روسپی گری از منظر آموزه های اسلامی با نگاه به مقررات بین المللی و حقوق ایران، فصل نامه مدرس علوم انسانی، ش ۳، س ۱۳۸۵.

۳۲- وکیل، امیر ساعد و عسکری، پوریا (مترجمان): جهانی امن تر؛ مسئولیت مشترک ما، ترجمه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ اول، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۸۴.

33- Commentary Edition 1995, Oxford Simma Bruno, The Charter Of The UNS, A University Press.

34- Deo, Swati: The Effectiveness Of Victim Protection Measures In U.S. Human Trafficking Legislation, MPP Professional Paper, In Partial Fulfillment Of The Master Of Public Policy Degree Requirements The Hubert H. Humphrey Institute Of Public Affairs The University Of Minnesota, May 25, 2009.

35-Freeman, M & Van Ert, G 2005, International Human Rights Law, Toronto, Irwin Law Publishers.

36- <http://www.UN.Org/Secure World>.

- 37- Kilercioglu ,Arezu: Trafficking In Women & Children, Available In: [http:// www.American.Edu /Traccc/ Resources/ Publications / Kilerc01.Doc](http://www.American.Edu/Traccc/Resources/Publications/Kilerc01.Doc).
- 38- Oppenheim, Lawrence: International Law, Longman Group Ltd, London 1955.
- 39 -Pearson, Elaine: Human Rights & Trafficking In Persons, A Hand Book , Indochina Publishing , Bangkok, Thailand, 2000 .
- 40- Protocol To Prevent, Suppress & Punish Trafficking In Persons , Especially Women & Children (2000).
- 41- Reservations To The Convention On The Prevention & Punishment Of The Crime of Genocide, Advisory Opinion, I.C.J. Report 28 May 1951.
- 42- The Resolution Of Institute Of International Law , Article 1, Session Of Jacques De Compostelle, A.I.D.I. Vol. 63, 11 1990. 43- The United Nation Convention Against Transnational Organized Crime (2000).
- 44- United Nations: Millennium Declaration , DPI/2163-September 2000.
- 45- Universal Declaration Of The Human Rights/ UNGA Res, 217 A [III] Of 10 December 1948, [UN Doc, A/811].